

## کارشناسان پدیده همسرآزاری و راهکارهای پیشگیری از آن را بررسی کردند

# بحرانی خاموش زیر سقف‌های مش

مشترک خود نیز نسبت به همسر و فرزندانش رویه همسرآزاری و رفتار خشن را در پیش گیرد. بنابراین نباید از کنار همسرآزاری به سادگی گذشت و با تحمل کردن این آزار و اذیت‌ها به عادی‌سازی آن پرداخت و لازم است راه چاره‌ای برای آن اندیشید و با این بحران به درستی مقابله کرد.

به عقیده کارشناسان، در برخی موارد علاقه به همسر، ترس از همسر، عذرخواهی خشونت‌کننده از قربانی، تحمل به خاطر فرزندان، نداشتن استقلال مالی و اجتماعی، امید به بهبود اوضاع، باور به تغییر رفتار خشن همسر، نداشتن حامی و پشتیبان، نگرانی از قضاوت دیگران، از موانع آشکارسازی خشونت هستند که بیشتر در زنان قربانی همسرآزاری، دیده می‌شود.

برای پیشگیری از خشونت، اولین گام افزایش آگاهی و یادگیری در مورد خشونت است. پس از آن، افراد باید آموزش‌های مهارتی بیاموزند

و با تقویت همدلی و دریافت کمک از مشاوران خانواده و در نهایت اتکا به قانون مانع بروز خشونت و تشدید آن شوند. همچنین تغییر اوضاع جامعه، آموزش‌های پیش از ازدواج، دریافت مشاوره قبل از ازدواج، ارائه خدمات اجتماعی، توانمندسازی زنان، آگاهی عمومی نسبت به خشونت و عواقب آن می‌تواند اثر زیادی در جلوگیری از همسرآزاری داشته باشد. چرا که هدف از زندگی مشترک، رسیدن به آرامش در کنار همسر و فرزندان است و این‌که بتوانیم زندگی خوب و سالمی داشته باشیم.



اهانت‌آمیز و پرخاشگرانه به منظور لگدمال کردن اقتدار، غرور و ابهت پدر نزد فرزندان صورت می‌گیرد.

یکی دیگر از مصادیق شوهرآزاری،

توجه نکردن به خواسته و انتظارات معقول

اوست. مورد بعدی، تبعیض بین خویشاوندان خود با همسرش است. در

حالی که همسر (چه زن و چه مرد) باید در اولویت فرد باشد. راه دیگر شوهرآزاری

و حتی زن‌آزاری این است که مسائل جزئی را بزرگنمایی می‌کنند و به جای چشم‌پوشی از

مسائل کم‌اهمیت آن را بزرگ جلوه می‌دهند و این‌گونه شادابی و آرامش میان زن و مرد از بین می‌رود.

مورد بعدی، بدبینی و سوءظن زوجین است که این روزها به‌وفور شاهد آن هستیم که باعث آزار و اذیت طرف مقابل می‌شود. در بُعد جسمانی نیز هر دو طرف با ضرب و جرح به آزار و اذیت یکدیگر می‌پردازند.

این استاد دانشگاه می‌گوید: در بحث همسرکشی که یکی از انواع خشونت‌هاست نیز متأسفانه گزارشات بسیاری داریم. نوع دیگر از همسرآزاری در بُعد اقتصادی است مثل تخریب و نابودی یا تصرف اموال طرف مقابل بدون مشورت یا رضایت او. وی ادامه می‌دهد: از علت‌های بروز همسرآزاری می‌توان به بحث فرهنگی و عدم آشنایی فرد با وظایف و مسئولیت‌های خود در جامعه و... اشاره کرد. از نظر اجتماعی نیز دخالت دیگران در زندگی شخصی

و نارضایتی از جامعه از جهت اقتصادی و شغلی هم تأثیر زیادی در بروز درگیری بین زوجین دارد.

ابراهیمی مقدم بیان می‌کند: گاهی منشأ خشونت خانگی به خانواده‌ای که فرد در آن بزرگ شده، برمی‌گردد و بحث‌های اعتیاد، سردی جنسی، تمایل به ازدواج مجدد، نحوه رفتار همسر با فرزندان و... همه از عوامل مؤثر در بروز همسرآزاری هستند. توصیه می‌کنیم افراد همواره از نظر روانی اصطلاحاً چکاپ شوند و از نظر اقتصادی و اجتماعی زندگی خود را سامان بخشند.

از دولتمردان نیز انتظار داریم به این مهم توجه داشته باشند. برای پیشگیری از همسرآزاری و کنترل آن، لازم است به اهمیت یادگیری و آگاهی‌افزایی توجه کنیم. نادیده گرفتن این موضوع می‌تواند تأثیرات مخربی روی فرزندان مان بگذارد و در آینده پیامدهای ناخوشایندی همچون افسردگی، اضطراب، افت تحصیلی، ناامیدی در زندگی و موقعیت شغلی و حتی همسرآزاری در زندگی مشترک در پی داشته باشد. لذا توصیه می‌شود حتماً هنگام بروز این موارد با روان‌شناسان مشورت کنید.

«خشونت» در لغت‌نامه دهخدا، درشتی و زبری معنا شده و اکثریت مردم جامعه به این موضوع واقف هستند که خشونت فارغ از هر نوع آن، نامطلوب و دور از سرشت انسانی است. یکی از شایع‌ترین نوع خشونت‌ها در جوامع مختلف خشونت خانگی است که می‌تواند جزو ترسناک‌ترین‌ها باشد، چرا که در امن‌ترین مکانی که فرد در آن ساکن است و آن را محلی برای حفظ آرامش و تشکیل خانواده تلفی می‌کند، رخ می‌دهد.

عوامل مختلفی در بروز خشونت به خصوص خشونت خانگی مؤثرند که مهم‌ترین آنها شامل عامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. خشونت خانگی به هر نوع خشونتی که بین اعضای خانواده و شرکای زندگی رخ دهد، گفته می‌شود که علاوه بر همسرآزاری، کودک‌آزاری و آزار سالمندان را نیز در بر می‌گیرد اما همسرآزاری مقوله مهمی است که در اینجا به آن می‌پردازیم.

همسرآزاری امروزه، به اشکال مختلف خشونت‌ها، روحی و روانی، کلامی، جسمی، جنسی و اقتصادی نسبت به شریک زندگی اعمال می‌شود. این در حالی است که در گذشته به دلیل مردسالاری که در جامعه وجود داشت، بیشتر خشونت‌ها از سمت مردان صورت می‌گرفت اما اکنون این روند تغییر کرده و گاه شاهدیم که مردان نیز در خانواده مورد خشونت قرار می‌گیرند که آن را با عنوان شوهرآزاری می‌شناسیم.

همسرآزاری قطعاً اثرات منفی روی زن یا مردی که مورد خشونت قرار گرفته، دارد که از جمله آن می‌توان به افسردگی، اضطراب، کاهش اعتماد به نفس، عدم اعتماد به دیگران، اشکال در برقراری روابط اجتماعی، فاصله گرفتن از دیگران، منزوی شدن، پرخاشگری، اقدام به خودکشی، گرایش به مصرف مواد مخدر، عدم امید به آینده و... اشاره کرد.

البته همسرآزاری علاوه بر این‌که روی قربانی خشونت تأثیر منفی دارد، قطعاً فرزندان را دچار مشکلاتی همچون ترس، بی‌خوابی، شب‌اداری، استرس، اضطراب، اختلالات رفتاری، کمبود عاطفی، افت تحصیلی، عدم اعتماد به دیگران، کمبودهای اجتماعی، رفتارهای تهاجمی، خشونت نسبت به اطرافیان می‌کند و حتی ممکن است به دلیل عادی شدن این نوع رفتار در خانواده، بعدها در زندگی

## عوارض همسرآزاری بر سلامت روان



**حسین ابراهیمی مقدم، متخصص روان‌شناسی و استاد دانشگاه** در خصوص همسرآزاری می‌گوید: به‌طور کلی خشونت در خانواده از جمله مسائل اجتماعی محسوب می‌شود که در همه مناطق جغرافیایی و در بین تمام

گروه‌های دینی، نژادی و در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی، تحصیلی و شغلی دیده می‌شود. همسرآزاری یکی از انواع خشونت‌های خانگی است که توسط همسر صورت می‌گیرد. این پدیده به‌طور کلی یک مشکل بهداشتی محسوب می‌شود. کم‌این‌که سازمان جهانی بهداشت (WHO) انواع همسرآزاری را از اولویت‌های بهداشتی خود می‌داند که عوارض زیادی در سلامت جسمانی و روانی دارد.

اگر بخواهیم همسرآزاری را تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم اعمال هرگونه بدرفتاری و آزار از طرف شریک زندگی است. البته سازمان جهانی بهداشت هرگونه عمل خشونت‌آمیز را که عمدتاً از سمت شوهر نسبت به زن گزارش شده و باعث صدمات روانی، جسمی، جنسی، اجتماعی و مالی می‌شود را در تعریف همسرآزاری می‌آورد. در حقیقت همسرآزاری یکی از مشکلات دنیا محسوب می‌شود که در بسیاری کشورها بین تمام اقشار جامعه و در همه طبقات اقتصادی - اجتماعی دیده می‌شود. طبق گزارش سازمان ملل، در نیوزیلند ۱۷ درصد، کلمبیا ۲۰ درصد، بلژیک و نروژ ۲۵ درصد، آمریکا ۲۸ درصد، کره ۳۸ درصد و گینه نو ۵۸ تا ۶۷ درصد، زنان از سمت همسرشان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.

این متخصص روان‌شناسی اظهار می‌کند: البته در حال حاضر شاهد بروز مسأله شوهرآزاری در جامعه هم هستیم. البته اکثراً وقتی صحبت از همسرآزاری می‌شود، همان بحث خشونت مرد علیه زن را به خاطر می‌آورند. در صورتی‌که عملاً شاهدیم که خشونت زنان نسبت به مردان نیز به صورت کلامی و حتی فیزیکی افزایش پیدا کرده است. شوهرآزاری به معنای رنج و عذاب، شکنجه، اذیت، مشقت و ضرب و صدمه است؛ در معنای لغوی نیز خشونت به معنی درشتی، ناهموازی، تندخویی و درشت‌خویی است. حال اگر این دو کلمه خشونت و آزار را کنار هم قرار دهیم و خشونت‌آزاری بخوانیم، آن وقت می‌بینیم چه تعریفی از آن داریم. به‌طور مثال در بحث شوهرآزاری گفته می‌شود که رفتارهای آزاردهنده از سمت زن علیه مرد در محیط خانواده اتفاق می‌افتد که ممکن است جنبه روانی، جنسی، اقتصادی و حتی جسمی داشته باشد.

وی می‌افزاید: شوهرآزاری در بُعد روانی این‌گونه است که زن به روح و روان همسرش آسیب می‌رساند که از طریق تخریب حیثیت و آبروی او در جمع خانواده و دوستان یا بی‌احترامی، فحاشی، عدم تکریم پدر خانواده، رفتارهای



حسین ابراهیمی مقدم:  
در تحقیقات جرم‌شناسی دانشگاه تهران که در ۱۵ استان کشور انجام شده، مشخص شد، همسرکشی در میان زنان و مردان برابر بوده و تنها تفاوت در روش‌های ارتکاب جرم است